

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵، ص ۵۱ - ۶۱

نگاهی به مفهوم شخصیت در منابع اسلامی

A Look at the Concept of Personality in Islamic Sources

محمدصادق شجاعی / استادیار جامعه المصطفی العالمیه، پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی

Muhammad Sadeq Shuja'i / Assistant Professor of Psychology, MIU. s_shojaei@yahoo.com

ABSTRACT

The present research aims at investigating the concept of personality in Islamic sources. The method used in this research is of hermeneutic type. The findings of the study showed that the very word "personality" has not been used in Islamic texts and sources. In Arabic, the word al-Shakhsyia became common when the psychological texts were translated from English into Arabic. However, the concept of personality is a global concept just like the concepts of God, life, death, and justice. All individuals in all cultures have a perception of personality based on their look at human. Similarly, in Islamic culture, the concept of personality has been referred to implicitly. Based on the findings of this study, one of the terms with closest semantic relation to the word "personality" in psychology is the word shakela in Arabic.

KEYWORDS: personality, *shakela*, Islamic psychology.

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی مفهوم شخصیت در منابع اسلامی انجام شده است. روش به کار رفته در این پژوهش از نوع روش‌های هرمنوتیکی (تفسیری) بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که خود کلمه ی شخصیت در متون و منابع اسلامی به کار نرفته است. در زبان عربی نیز کلمه «الشخصیه» همزمان با ترجمه متون روان‌شناسی از انگلیسی به عربی رواج یافته و قبل از آن به کار نمی‌رفته است. در عین حال، مفهوم شخصیت مانند خدا، زندگی، مرگ و عدالت مفهوم جهانی است. همه افراد در همه فرهنگ‌ها، برداشتی از شخصیت دارند که مبتنی بر نوعی نگاه آنها به انسان است. در فرهنگ اسلامی نیز مفهوم شخصیت به طور ضمنی بیان شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، یکی از واژه‌هایی که بیشترین ارتباط را با مفهوم شخصیت در روان‌شناسی دارد، شاکله است.

کلیدواژه‌ها: شخصیت، شاکله، روان‌شناسی اسلامی.

مقدمه

شخصیت یکی از موضوعات مهم و مورد علاقه روان‌شناسان است. تحقیق و پژوهش در این زمینه چه به لحاظ نظری و چه به لحاظ بالینی توجه گسترده‌ای را به خود معطوف کرده و در طول یکصد سال گذشته روند رو به رشدی را پشت سر گذاشته است (هوگان،^۱ ۱۹۹۲؛ آلن،^۲ ۲۰۰۶؛ جان،^۳ ۱۹۹۰؛ متیوز^۴ و همکاران، ۲۰۰۹). شخصیت، الگوی معینی از رفتار و شیوه تفکر است که نحوه سازگاری فرد را با محیط تعیین می‌کند (برگر،^۵ ۱۹۹۷، ص ۴). همچنین، شخصیت به الگوی نسبتاً پایدار صفات، گرایش‌ها یا ویژگی‌هایی که به رفتار فرد دوام می‌بخشد، نیز تعریف شده است (فیست^۶ و فیست،^۷ ۱۳۸۶).

در کتاب‌های روان‌شناسی مانند بسیاری موضوعات دیگر از فلاسفه یونان باستان و اندیشمندان غربی به‌عنوان بنیان‌گذاران اصلی روان‌شناسی شخصیت یاد می‌شود. گفته شده که اولین نظریه شخصیت مربوط به بقراط (۳۷۰-۴۶۰ قبل از میلاد) است. پس از وی جالینوس (۱۳۰-۲۰۰ قبل از میلاد) به طبقه‌بندی تیپ‌های شخصیتی افراد پرداخت. در دوره‌های بعد فروید،^۸ یونگ،^۹ آدلر،^{۱۰} اریک فروم،^{۱۱} هورنای،^{۱۲} آلپورت،^{۱۳} مازلو،^{۱۴} راجرز^{۱۵} و دیگران سعی کردند روان‌شناسی شخصیت را سر و سامان بدهند (متیوز^{۱۶} و همکاران، ۲۰۰۹).

باید توجه داشت که تأثیر فلاسفه یونان باستان در شکل‌دهی افکار بشری و همین‌طور نقش دانشمندان مغرب زمین در توسعه و پیشرفت رشته‌های علمی از جمله روان‌شناسی شخصیت بر کسی پوشیده نیست، ولی این موجب نمی‌شود که نقش و جایگاه دین، انبیای الهی و متفکران مذهبی به ویژه اندیشمندان مسلمان در پیشینه روان‌شناسی شخصیت نادیده گرفته شود (اسماعیل^{۱۷} و تیکی،^{۱۸} ۲۰۱۵؛ اسمیسیر^{۱۹} و خرسندی،^{۲۰} ۲۰۰۹). انبیای الهی در توسعه دانش بشری بسیار تأثیرگذار بوده‌اند. در مرحله بعد ائمه معصومین^{علیهم‌السلام} نقش بسزایی در این زمینه داشته‌اند. شاید بتوان گفت منابع دینی در زمینه روان‌شناسی شخصیت از غنی‌ترین مجموعه‌ها به شمار می‌آید (حق^{۲۱} و محامد،^{۲۲} ۲۰۰۹). از این‌رو، فریدمن و اسکوستاک دین و منابع دینی را یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در تاریخچه روان‌شناسی شخصیت برشمرده‌اند (فریدمن^{۲۳} اسکوستاک،^{۲۴} ۲۰۰۹، ص ۴۲۸). در آثار اندیشمندان

- | | | | |
|--------------------|-----------------|------------------|---------------------|
| 1. Hogan, R.T. | 2. Allen, B.P. | 3. John, O. | 4. Matthews, G. |
| 5. Burger, J.M. | 6. Feist, J. | 7. Feist, J.F. | 8. Freud, S. |
| 9. Jung, C.G. | 10. Adler, A. | 11. Fromm, E. | 12. Horney, K. |
| 13. Allport, G. | 14. Maslow, A. | 15. Rogers, C. | 16. Matthews, G. |
| 17. Ismail, N.A.H. | 18. Tekke, M. | 19. Smither, R. | 20. Khorsandi, A. |
| 21. Haque, A. | 22. Mohamed, Y. | 23. Friedman, H. | 24. Schustack, M.W. |

مسلمان نیز مطالب زیادی درباره شخصیت وجود دارد که به دلیل ناهمگرایی واژه‌ها و فقدان زبان مشترک همچنان ناشناخته و مبهم باقی مانده است (شجاعی، ۱۳۸۸). آنچه کار روان‌شناسان شخصیت را از دیگران متمایز می‌کند این است که روان‌شناسان نظریه‌های خود را درباره شخصیت به طور واضح و روشن بیان کرده‌اند. درحالی‌که موضوعات مربوط به شخصیت در منابع اسلامی و تفکرات اندیشمندان مسلمان به طور مبهم بیان شده است. از این‌رو، می‌توان مجموعه‌ی از چنین نظریه‌ایی را به «نظریه‌های ضمنی شخصیت» نامگذاری کرد (شجاعی و حیدری، ۱۳۸۹). یکی از دغدغه‌های اصلی پژوهشگران در ایران، مالزی و کشورهای عربی طی چند دهه اخیر شناسایی ظرفیت‌های منابع اسلامی در موضوعات مختلف روان‌شناسی و انجام پژوهش‌های تطبیقی بوده است (ابو رعیه،^۱ ۲۰۱۵؛ دستی^۲ و سیتوات،^۳ حق،^۴ ۲۰۰۴). در بین موضوعات مختلف روان‌شناسی شخصیت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از این‌رو، برای کسانی که بر اساس دیدگاه اسلامی به موضوعات روان‌شناسی می‌پردازند همواره این سؤال مطرح است که آیا مفهوم و محتوای شخصیت در منابع اسلامی وجود دارد؟ آیا می‌توان با استفاده از مفاهیم و سازه‌های دینی به مطالعه شخصیت پرداخت؟ از این‌رو، این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی مفهوم شخصیت در منابع اسلامی و روان‌شناسی انجام شده و در نظر دارد ضمن معرفی قابلیت‌ها و ظرفیت‌های منابع اسلامی در روان‌شناسی شخصیت زمینه پژوهش‌های بیشتری را در این خصوص فراهم کند.

روش پژوهش

با توجه به نوع و ماهیت پژوهش (متن‌محور و مبتنی بر گزاره‌های دینی بودن)، روش به کار رفته در آن از نوع روش‌های هرمنوتیکی است. هرمنوتیک^۴ در اصل دانشی است که برای فهم هر نوع متن یا گفتار استفاده می‌شود (واعظی، ۱۳۸۰، ص ۲۱۵). از نظر دلتای،^۵ هرمنوتیک دانشی است که مبنای روش شناختی علوم انسانی را فراهم می‌سازد (گروندین،^۶ ۱۹۹۴، ص ۸۵). در گذشته از روش هرمنوتیک برای فهم کتاب مقدس استفاده می‌شد (پالمر،^۷ ۱۹۸۸، ص ۳۴). آنچه امروزه تحت عنوان هرمنوتیک مطرح می‌شود، به گونه‌های هرچند نظام نیافته و چه‌بسا با ادبیات متفاوت همواره مورد توجه پژوهشگران علوم دینی نیز بوده است. در تمامی حوزه‌های علوم اسلامی از جمله تفسیر و علم اصول تلاش‌هایی که

1. Abu-Raiya, H.

2. Dasti, R.

3. Sitwat, A.

4. hermeneutics

5. Dilthey, W.

6. Grondin, J.

7. Palmer, R.E.

برای فهم متون اسلامی (آیات، روایات) انجام شده در قالب نظریه‌های هرمنوتیکی قرار می‌گیرند (واعظی، ۱۳۸۰، ص ۷۰). برخی پژوهشگران ضمن اشاره به همگرایی‌های این دو حوزه (دانش هرمنوتیک و آنچه پژوهشگران مسلمان برای فهم متون به کار می‌برده‌اند)، از هرمنوتیک به‌عنوان یک روش تحقیق مناسب در علوم دینی یاد کرده‌اند (مسعودی، ۱۳۸۶). بنابراین، هرمنوتیک به‌عنوان یک روش کیفی در فهم گزاره‌های روان‌شناختی از منابع اسلامی می‌تواند کاربرد داشته باشد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش نشان داد که خود کلمه شخصیت در متون و منابع اسلامی (قرآن و مجامع روایی) به کار نرفته است. در زبان عربی نیز کلمه «الشخصیه» همزمان با ترجمه متون روان‌شناسی از انگلیسی به عربی رواج یافته و قبل از آن به کار نمی‌رفته است (العانی، ۱۹۹۸، ص ۴۹). با این وجود، مفهوم شخصیت چیزی است که می‌توان از موضوعات مختلف در منابع اسلامی استنباط کرد. چند شیوه استدلال در این زمینه وجود دارد: یکی از شیوه‌های استدلال این است که بدانیم موضوع شخصیت در روان‌شناسی چیست؟ به بیان بسیار ساده، موضوع شخصیت در روان‌شناسی انسان واقعی (شخص) است؛ چیزی که ما از بیرون می‌بینیم و از درون احساس می‌کنیم (های‌لی و ربرتو، ۱۳۸۰). از سوی دیگر، در آیات و روایات اصطلاحات و واژه‌های زیادی مانند انسان، بشر، انس، انسی، اناس، فرد، وجه، امرء و امرئه به کار رفته که همگی با شخصیت ارتباط دارد (العانی، ۱۹۹۸). با بررسی این مفاهیم اطلاعات گسترده‌ای درباره شخصیت به دست خواهد آمد.

یک شیوه دیگر، برای استدلال درباره مفهوم‌شناسی شخصیت در منابع اسلامی این است که بدانیم اصولاً چرا مفهوم شخصیت در روان‌شناسی به کار برده می‌شود؟ بر اساس یافته‌های این پژوهش در روان‌شناسی سه دلیل عمده برای کاربرد واژه شخصیت وجود دارد. یک دلیل برای استفاده از واژه شخصیت در روان‌شناسی تمایل به انتقال مفهومی از همسانی و استمرار در خصوصیات فرد است. برای مثال، وقتی می‌بینیم یک شخص در موقعیت‌های مختلف رفتارهای یکسان از خود نشان می‌دهد، پی می‌بریم که در همه موقعیت‌های یاد شده شخص واحدی وجود دارد (کارور و شی‌یر، ۱۳۷۵، ص ۳۳). به نظر می‌رسد این ویژگی (همسانی و استمرار در خصوصیات فرد) در منابع اسلامی با واژه نفس و روح بیان شده است. شواهد نشان می‌دهد که هم در فلسفه و هم در آیات و روایات، واژه نفس و روح برای اشاره به جنبه‌های پایدار وجود فرد به کار می‌رود (عرب، ۲۰۰۵؛ سهراب‌پور،

۱۳۸۹؛ رازی، ۱۳۶۴؛ شرقاوی، ۱۳۶۶). به همین دلیل، گاهی گفته می‌شود حقیقت و هویت آدمی به نفس و روح بستگی دارد (غفاری، ۱۳۹۱، ص ۳۲). برخی حتی سعی کرده‌اند نفس و روح را مساوی شخصیت در نظر گرفته و مراحل رشد شخصیت را بر اساس مراتب سه‌گانه نفس (نفس اماره، نفس لوامه، نفس مطمئنه) تبیین کنند (حق، ۲۰۰۴). بر اساس یافته‌های این پژوهش اگرچه مباحث مربوط به نفس، روح، عقل، قلب و دیگر فرایندهای انگیزشی رفتار (نیازها، انگیزه‌ها، اراده و اختیار) با شخصیت ارتباط دارند، ولی در عین حال هم معنی دانستن آنها با شخصیت مبتنی بر نوعی فهم ساده‌انگارانه از این واژه‌هاست.

دلیل دومی که برای کاربرد واژه شخصیت در روان‌شناسی وجود دارد انتقال این معنی است که هر کسی را می‌توان با توجه به چند ویژگی برجسته در وی توصیف کرد (فرگاس، ۱۳۷۳). برای مثال، وقتی گفته می‌شود فلانی مهربان است، اشاره به این دارد که مهربانی یکی از خصوصیات برجسته اوست. در هر کسی ممکن است چند ویژگی شبیه این وجود داشته باشد که افراد بر اساس آنها توصیف و معرفی می‌شوند. وقتی هم کلمه شخصیت به کار می‌رود، در واقع به این چند ویژگی اشاره دارد. این تلقی از شخصیت غلبه رویکرد صفات را نشان می‌دهد (متیوز و همکاران، ۲۰۰۹؛ آلن^۱ و پوتکای،^۲ ۱۹۸۱).

به نظر می‌رسد، مفهوم‌سازی شخصیت بر مبنای صفات یک ایده پذیرفته شده در منابع اسلامی است؛ زیرا نمونه‌های زیادی در آیات و روایات وجود دارد که شخصیت افراد بر مبنای صفات تبیین شده است. برای مثال، خداوند در قرآن افراد را به سه دسته مؤمن، کافر و منافق طبقه‌بندی نموده و ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری هر یک از آنها را بیان کرده است. در وصف مؤمنان می‌فرماید: «مؤمنان کسانی هستند که چون نام خدا برده شود، دل‌هایشان ترسان شود و چون آیات خدا بر آنان خوانده شود، ایمانشان زیاد شود و بر پروردگارشان توکل می‌کنند. همان کسانی که نماز می‌گذارند و از آنچه روزیشان کرده‌ایم، انفاق می‌کنند» (انفال: ۲-۴). در روایات نیز به صفت‌هایی چون رحمت و رأفت، سازگاری اجتماعی، خوش‌بینی و اعتماد بین‌فردی، پرهیز از گناه، مردم‌گرایی، کمال‌طلبی، میانه‌روی در کار و وظیفه‌شناسی اشاره شده است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۳، ص ۶۱-۶۲). شبیه این، در مورد کفار و منافقین نیز اوصاف زیادی بیان شده است. از نظر عبدالعال (۲۰۰۷)، منصور و ابوعباده (۱۹۹۶)، قرآن را می‌توان به مثابه یگانه منبعی دانست که به دلیل متکی بودن بر وحی از غنای

اطلاعاتی درباره صفات و ویژگی‌های انسان برخوردار است. در روایات فهرست‌های گسترده‌ای از صفات ارائه شده است. برای نمونه، رسول خدا ﷺ در روایتی به ۱۵۰ صفت اشاره کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴ ص ۳۱۰).

شیخ صدوق (۱۴۱۴ق) با استفاده از فهرست‌های موجود در روایات بیش از ۲۰۰۰ صفت را در مجموعه‌ای به نام «خصال» گردآوری کرده است که بخش بسیاری از آن به شخصیت مربوط می‌شود. بنابراین، مفهوم‌سازی شخصیت بر مبنای صفات از پشتوانه نظری قدرتمندی در منابع اسلامی برخوردار است.

دلیل سوم نیز برای کاربرد واژه شخصیت در روان‌شناسی وجود دارد و آن این است که هر کاری که فرد انجام می‌دهد، به گونه‌ای از درون سرچشمه می‌گیرد (کارور و شی‌یر، ۱۳۷۵، ص ۳۳). در این کاربرد، اصطلاح شخصیت به عوامل درون‌فردی رفتار اشاره دارد. منظور از عوامل درون‌فردی، فرایندهایی است که آپورت از آن به سازمان پویایی از نظام‌های جسمی - روانی در درون فرد یاد کرده است (نقل از: هارلوک،^۱ ۱۳۹۱، ص ۳۶). منابع اسلامی در این زمینه نیز یکی از غنی‌ترین مجموعه‌ها به شمار می‌رود. آموزه‌ها و مفاهیم زیادی در منابع اسلامی وجود دارد که با فرایندهای درون‌فردی رفتار ارتباط دارد. برای مثال، نیازها، انگیزه‌ها، امیال، عادات، ملکات و قوای نفس همه به عوامل درون‌فردی رفتار اشاره دارند (شجاعی، ۱۳۹۱). مفهوم‌شناسی شخصیت در منابع اسلامی طبق این دیدگاه مستلزم بررسی همه عوامل و فرایندهای درون‌فردی است که روی رفتار تأثیر می‌گذارند.

اینها برخی از دلایلی هستند که چرا در روان‌شناسی کلمه شخصیت به کار برده می‌شود. با توجه به آنچه بیان شد، طبق هر یک از این معانی سه گانه، امکان بحث و بررسی شخصیت در منابع اسلامی وجود دارد. در عین حال، یکی از مفاهیمی که بیشتر با شخصیت ارتباط دارد، واژه شاکله است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، اصطلاح شاکله در منابع اسلامی با هر سه ویژگی شخصیت (همسانی و استمرار در ویژگی‌های فردی، تبیین رفتار بر اساس فرایندهای درونی، اشاره داشتن به چند ویژگی برجسته در فرد) کاربردپذیر است.

بحث و نتیجه‌گیری

شخصیت یکی از موضوعات مهم و اساسی در روان‌شناسی محسوب می‌شود. در این پژوهش، به

بررسی مفهوم شخصیت در منابع اسلامی پرداخته شد. نتایج پژوهش نشان داد که اگرچه خود واژه «شخصیت» در منابع اسلامی به کار نرفته است، ولی موضوع و مفهوم شخصیت چیزی نیست که فقط به روان‌شناسی اختصاص داشته باشد. به نظر می‌رسد مفهوم شخصیت مانند خدا، زندگی، مرگ، انسان، عدالت و... موضوع جهانی و مربوط به همهٔ فرهنگ‌هاست. در آیات و روایات و منابع اسلامی نیز مطالب زیادی دربارهٔ شخصیت وجود دارد که به دلیل ناهمگرایی واژه‌ها و فقدان زبان مشترک با روان‌شناسی همچنان ناشناخته و مبهم باقی مانده است. به نظر می‌رسد منابع اسلامی در این زمینه غنی‌تر از منابع روان‌شناسی است؛ زیرا آنچه روان‌شناسان در تحقیقات و پژوهش‌های خود به آن دست یافته‌اند تنها بخشی از حقایق مربوط به انسان است. شناخت کامل انسان و دستیابی به الگوی جامعی از شخصیت مستلزم در نظر گرفتن نگاه فرا انسانی و چیزی است که در ادیان و به‌ویژه اسلام به‌عنوان آخرین دین الهی و قرآن جامع‌ترین کتاب مربوط به انسان مطرح شده است.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، شاکله یکی از واژه‌ها و مفاهیمی است که بیشترین ارتباط را با شخصیت دارد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ» (اسراء: ۸۴)؛ یعنی بگو هر کسی بر طبق شاکلهٔ خود رفتار می‌کند. شاکله، چیزی است که ریشهٔ رفتار به آن برمی‌گردد. نتایج این پژوهش، در این زمینه با برخی فرضیه‌سازی‌های پیشین که شاکله و شخصیت را به یک معنی در نظر گرفته‌اند، همسو است (احمدی، ۱۳۸۳، ص ۱۳). طبق این دیدگاه رابطهٔ شاکله و شخصیت به گونه‌ای است که وقتی ما می‌خواهیم مفهوم شاکله را توضیح دهیم، در واقع می‌کشیم مفهوم شخصیت را از دیدگاه اسلام تبیین کنیم. با این وجود، درباره تفسیر و معنای دقیق شاکله دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است. از نظر راغب اصفهانی، شاکله در اصل از شکل به معنای بستن گرفته شده و کارکرد بارز آن محدود کردن و در قید و بند قرار دادن است (راغب اصفهانی، ۱۳۹۰، ص ۴۲۳). به همین دلیل، چیزی که به وسیلهٔ آن دست و پای حیوان را می‌بندند، شکل نامیده شده است. علاوه بر آن شاکله به طبیعت (سبزواری، ۱۴۱۹، ص ۲۹۶)، سرشت و فطرت (حسینی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۴۲)، عادت (نیشابوری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۵۰۹؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۳۰۰) و خلق و خوی (هواری، ۲۰۱۰، ص ۹۰۱؛ سمرقندی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۲۷) نیز معنی شده است. یکی دیگر از معانی شاکله نیاز است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۶، ص ۱۰۸). امام صادق علیه السلام شاکله را به نیت معنی کرده است (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۱۹۴). علاوه بر این، شاکله به دین، طریقه و مذهب نیز تفسیر شده است (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۲۵۶؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۳۰۰؛ طریحی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۵۳۷). از سوی دیگر، برخی

محققان شاکله را به غیب و باطن انسان تفسیر نموده‌اند (گنابادی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۳۲؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۱، ص ۳۹۱) که شامل نیت و نیاز هم می‌شود.

وجه مشترک همه این نظریه‌ها این است که شاکله را به عوامل درون‌فردی رفتار معنی کرده‌اند. بنابراین، کاربرد واژه شاکله در مورد طبیعت، عادت، سرشت، فطرت، خلق‌وخوی، نیاز و نیت به طور ضمنی به این موضوع اشاره دارد که عوامل و فرایندهای درونی بر نحوه رفتار و عملکرد فرد تأثیر می‌گذارند.

یک تبیین دیگر برای کاربرد واژه شاکله این است که روحيات، سجایا، نیازها، عادت‌ها، نگرش‌ها و بینش‌ها می‌تواند افراد را به سبک و شیوه رفتاری خاصی مقید سازند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق، ج ۹، ص ۱۰۷؛ ۱۳۷۰، ج ۱۳، ص ۲۴۹). طبق این برداشت، شاکله می‌تواند به استمرار و همسانی در خصوصیات فرد اشاره داشته باشد؛ زیرا باعث می‌شود افراد در شرایط مختلف به صورت نسبتاً مشابه عمل کنند.

از نظر فخررازی، شاکله به تفاوت‌های فردی اشاره دارد (نقل از مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱۳، ص ۲۴۹). برخی مؤلفان برای نشان دادن تفاوت‌های فردی در مفهوم شاکله، از استعاره «طریق ذو شواکل» (راه و مسیری که راه‌های زیادی از آن منشعب می‌شود)، استفاده کرده‌اند. این تعبیر می‌تواند اشاره به این باشد که افراد علی‌رغم طبیعت مشترک، ویژگی‌های منحصر به فردی دارند (بغدادی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۴۴؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۳۴۰). بنابراین، یک دلیل برای استفاده از کلمه شاکله نشان دادن این موضوع است که افراد از نظر ویژگی‌های شخصیتی با یکدیگر تفاوت دارند. علامه طباطبائی نیز در تفسیر شاکله به این موضوع اشاره کرده و می‌گوید: افراد به لحاظ ویژگی‌های شخصیتی مانند شجاعت، ترسویی، سخاوت، بخل‌ورزی، صبوری و امثال آن با یکدیگر تفاوت دارند (طباطبائی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۳، ص ۲۶۷). بنابراین، شاکله اشاره به این است که علی‌رغم شباهت‌هایی که بین افراد وجود دارد، هر کسی از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار است.

یک احتمال دیگر این است که ریشه لغوی شاکله از شکل به معنای هیئت و ساخت گرفته شده باشد (اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۱۰۵؛ راغب اصفهانی، ۱۳۹۰، ص ۴۲۳). تعریفی که مصطفوی از شاکله ارائه کرده مبتنی بر همین برداشت است. وی شاکله را به ساخت کلی [الهیة الاجمالیه] ویژگی‌های فرد معنی کرده است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۶ ص ۱۰۹). ساخت کلی اشاره به این است که شاکله به گستره وسیعی از اوصاف و ویژگی‌های انسان انسجام می‌بخشد.

آنچه از این تعریف بر می‌آید، شاکله بر ویژگی کل‌نگرانه تأکید دارد و به تعریفی که مای‌لی و ربرتو از شخصیت ارائه داده‌اند، بسیار نزدیک است. مای‌لی و ربرتو شخصیت را به کلیت روان‌شناختی

که انسان خاصی را مشخص می‌سازد، تعریف کرده‌اند (مای‌لی و ربرتو، ۱۳۸۰، ص ۱۷). نتایج پژوهش دیگری که شجاعی و همکاران در سال ۱۳۹۳ انجام دادند نیز حاکی از این است که در بالاترین سطح تمامی جنبه‌های شخصیت به یک عامل برتر کلی تحت عنوان «شاکله» برمی‌گردد. شاکله چنان فراگیر، کلی و تأثیرگذار است که تمام جنبه‌های زندگی تحت تأثیر آن قرار دارد (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۳). در مجموع، یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که نزدیک‌ترین واژه به شخصیت در منابع اسلامی شاکله بوده و با این چند ویژگی مشخص می‌شود:

۱. یک عامل کلی است که به گستره وسیعی از اوصاف و ویژگی‌های انسان یکپارچگی می‌بخشد؛
۲. عامل درونی تعیین‌کننده رفتار بوده و مفهومی است که سرشت، فطرت، عادت، نیاز، خلق، صفت، سریره، نیت و دیگر سازه‌هایی از این قبیل را دربر می‌گیرد؛
۳. از یک ساخت برخوردار است؛ بنابراین، تا وقتی مجموعه‌ای از عناصر درون روانی مانند صفات، عادت‌ها، نگرش‌ها، حالات خلقی، هیجان‌ها و باورها دارای ساخت نباشند، نمی‌توان مفهوم شاکله را در مورد آنها به کار برد؛
۴. منعکس‌کننده جنبه‌ای از تفاوت‌های فردی است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های بعدی ابعاد مختلف شاکله مورد بررسی قرار گرفته و عامل‌های شخصیت بر مبنای این مفهوم مورد سنجش و اندازه‌گیری واقع شود.

منابع

- آمرحقی، یاسین محمد (۱۳۹۰)، علم‌النفس از دیدگاه اندیشمندان مسلمان، ترجمه مهدی گنجی، تهران: ساوالان.
- احمدی، علی اصغر (۱۳۸۳)، روان‌شناسی شخصیت از دیدگاه اسلامی، تهران: امیرکبیر.
- اندلسی، ابوجیان محمد (۱۴۲۰ق)، البحر المحیی التفسیر، بیروت: دارالفکر.
- بغدادی، علاءالدین (۱۴۱۵ق)، لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- یضاوی، عبدالله (۱۴۱۸ق)، انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- حسینی شیرازی، محمد (۱۴۳۴ق)، تقریب القرآن الی الأذهان، بیروت: دارالعلوم.
- حسینی، محمدحسین (۱۴۰۴ق)، انوار درخشان، تهران: کتابفروشی لطفی.
- راز، فخرالدین (۱۳۶۴)، النفس و الروح و شرح قواهما، تهران: الابحاث الاسلامیه.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۳۹۰)، مفردات الفاظ قرآن کریم، ترجمه خدایرست، قم: دفتر نشر نوید اسلام.
- سبزواری، محمد (۱۴۱۹ق)، ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- سمرقندی، نصر (بی‌تا)، بحر العلوم، بی‌نا، ج ۲، ص ۳۲۷.
- سهراب‌پور، همت (۱۳۸۹)، عقل و نفس، قم: بوستان کتاب.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۸)، «نگاهی به ریشه‌های نظریه صفات شخصیت در اخلاق»، مجله مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال سوم، شماره ۴، ص ۱۲۹-۱۵۳.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۱)، انگیزش و هیجان نظریه‌های روان‌شناختی و دینی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شجاعی، محمدصادق و حیدری، مجتبی (۱۳۸۹)، نظریه‌های انسان سالم با نگرش به منابع اسلامی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۳)، ساختار شخصیت از دیدگاه اسلام در چارچوب رویکرد صفت، پایان‌نامه دکتری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شرقاوی، حسن محمد (۱۳۶۶)، گامی فراسوی روان‌شناسی اسلامی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- شیخ صدوق، محمدبن علی (۱۴۱۴ق)، خصال، قم: جامعه مدرسین.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۲۱ق)، ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۰۸ق)، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی.
- طیب، عبدالحسین (۱۳۷۸)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام.
- العانی، نزار محمد (۱۹۹۸)، الشخصیته الانسانیه فی التراث الاسلامی، عمان: دارالفرقان للنشر و التوزیع.
- عبدالعال، محمدعبدالحمید (۲۰۰۷)، السلوک الانسانی فی الاسلام، عمان: دار المسیره للنشر و التوزیع.
- عرب، محمد (۲۰۰۵)، شرائع العقل و النفس و الروح، دمشق: منشورات الاتحاد العرب.
- علی‌پور، مهدی و حسنی، سیدحمیدرضا (۱۳۸۹)، پارادایم اجتهادی دانش دینی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- غفاری، ابوالحسن (۱۳۹۱)، حدوث جسمانی نفس، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فخررازی، محمد (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- فرگاس، جوزف (۱۳۷۳)، روان‌شناسی تعامل اجتماعی: رفتار میان‌فردی، ترجمه فیروزبخت و خشایاربیگی، تهران: فردا.
- فیست، جس و فیست، گریگوری (۱۳۸۹)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه سید محمدی، تهران: نشر روان.
- کارور، چارلز اس و شی‌یر، مایکل (۱۳۷۵)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه احمد رضوانی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- کلینی، محمد (۱۳۸۵)، اصول کافی، قم: قائم آل محمد.

مایلی، ریچارد و روبرتو، پی. (۱۳۸۰)، ساخت، پدیدایی و تحول شخصیت، ترجمه محمود منصور، تهران: سمت.
مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفا.

محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۳)، منتخب میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث.

مسعودی، جهانگیر (۱۳۸۶)، «هرمونوتیک به مثابه روش تحقیق در علوم دینی»، مجله پژوهش‌های فلسفی-کلامی، سال هشتم، شماره ۳ و ۴، ص ۲۵-۵۷.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۱)، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

منصور، مجید و ابوعباص، صالح (۱۹۹۶)، الشخصیه الاسلامیه و الهدی الاسلامی، قاهره: دار غریب.

نیشابوری، محمود (۱۴۱۵ق)، ایجاز البیان عن معانی القرآن، بیروت: دارالترب الاسلامی.

هارلوک الیزابت (۱۳۹۰)، روان‌شناسی شخصیت با تأکید بر تحلیل عوامل مؤثر بر رشد شخصیت، ترجمه شریفی درآمدی، تهران: آوای نور.
واعظی، احمد (۱۳۸۰)، درآمدی بر هرمونوتیک، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

Abu-Raiya, H. (2014). Western psychology and Muslim psychology in dialogue: Comparisons.

Allen, B.P. (2006). Personality theories: development, growth, and diversity (5th ed.). Boston, Mass: Allyn and Bacon.

Allen, B.P., & Potkay, C.R. (1981). On the arbitrary distinction between states and traits, *Journal of Personality and Social Psychology*, 41, 916-928.

between a Qur'anic theory of personality and Freud's and Jung's ideas, *Journal of Religion and Health*, 53, 326-338.

Burger, J. M (1997) *Personality*, Books / Cole Publishing Compony.

Dasti, R., & Sitwat, A. (2014). Development of a multidimensional measure of Islamic spirituality (MMS). *Journal of Muslim Mental Health*, 8(2), 47-67.

Friedman, H. & Schustack, M. (2009). *Personality Classic Theories and Modern Resaerch*, Allyn and Bacon.

Grondin, J. (1992). *Introduction to Philosophical Hermeneutics*, Joel.

Haque, A. (2004). Psychology from Islamic perspective: Contributions of early Muslim scholars and challenges to contemporary Muslim psychologists. *Journal of Religion & Health*, 43(4), 357-377.

Hogan, R.T. (1992). *Hogan Personality Inventory manual (Rev. ed)*. Tulsa OK: Hogan Assessment Systems.

Ismail, N.A.H., & Tekke, M. (2015). Development and Initial Validation of Integrated Islamic Personality, *Advance in Environmental Biology*, 9(18), 163-171.

John, O.P. (1990). The "Big Five" factor taxonomy: Dimensions of personality in the natural language and questionnaires. In L. A. Pervin (Ed.) *Handbook of personality: Theory and research* (pp. 66-100) New York: Guilford Press.

Matthews, G., Deary, I., Whiteman, M.C., Friedman, H. & Schustack, M.W. (2009). *Personality classic theories and modern research*. Allyn and Bacon.

Palmer, R. E. (1987). *Hermeneutics: Interpretation Theory in Schleirmacher, Dilthey, Heidegger and Gadamer*, U.S.A, Northwestern University Press.

Smither, R., & Khorsandi, A. (2009). The implicit personality theory of Islam. *Psychology of Religion and Spirituality*, 1(2), 81-96. doi:10.1037/a0015737.